

# فرهنگ ما مرید پروری نیست!

گفت و گو با حسین کیانی  
نویسنده و کارگردان

مرجان سستری

در رابطه با آخرین کارتان صحبت کنید، از شروع تا اجرا و از ویژگی‌های خاص که این متن داشت.

در واقع از آنجا که من خودم نویسنده کارهای خودم هستم، از ابتدا همواره دغدغه‌هایی دارم و سعی می‌کنم آن دغدغه‌ها را در قالب این نوع نمایش‌ها که نزدیک است به نمایش ایرانی و به نوعی برگرفته از عناصر نمایش ایرانی است ابتدا بنویسم و بعد آن نوشته‌ها را اجرا کنم، در کارهای قبلی هم این مسئله دیده می‌شود. مثل تئاتر اجباری و تکیه ملت اصولاً پرداخت به آدم‌هایی که نمایشگرند، آکتورند، رژیستورند، بازی سازند، تعزیه گردانند، مقلدند و یا به هر نحوی با مسئله نمایش درگیرند. و اصولاً پرداختن به این آدم‌ها یکی از دغدغه‌های همیشگی من بوده و هست. یعنی تئاتری که در مورد خود تئاتر و تئاتری‌ها باشد این کار هم در حقیقت بن‌مایه اصلی و ایده اصلی‌اش در مورد زنان درام‌نویس است و اوایل قرن چهاردهم خورشیدی و زنان درام‌نویسی که در دهه اول و دوم این قرن درام‌هایی نوشته‌اند که کمتر از آن‌ها نام برده شده و یا می‌توانم بگویم که اصلاً نامی از آن‌ها برده نشده است و در واقع همیشه در پرده‌ای از ابهام و تاریکی بوده‌اند و این کار صرفاً به درام‌نویسی می‌پردازد و مسائل درام‌نویسی، علی‌الخصوص زنان درام‌نویس و مشکلات و معضلاتی که از همه سو، این زن‌ها را احاطه کرده است.

این نمایش هنگام اجرا، چقدر نسبت به متن اصلی، تغییر کرده است؟

معمولاً، من متن را که می‌نویسم هیچ وقت همان طور که نوشته‌ام اجرا نمی‌کنم و حین تمرین‌ها زیاد آن را تغییر می‌دهم این متن هم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

دو یا سه بار در حین تمرین‌ها بازنویسی شده است و به هر حال تا حد ممکن و تا حدی که زمان و شرایط به من اجازه می‌داد سعی کردم که آن را به اجرای دلخواه، نزدیک کنم ولی خوب معتقدم که هیچ وقت یک متن تمام‌شده نیست و خصوصیت یک تئاتر، این است که در حرکت و پویایی باشد و به همین دلیل معتقدم که متن را باید خیلی دست‌کاری کرد و تغییر داد تا به آن متن ایده‌آل و دلخواه برسد طبیعتاً این متن هم از این تغییرات بی‌نصیب نماند، همان طور که گفتم در سه ورژن نوشته شد که نهایتاً به این جایی رسید که اجرا شد.

کمی در مورد شیوه اجرای کار صحبت کنید. شیوه اجرای من در واقع بر اساس شیوه‌های نمایش‌های ایرانی است یعنی من سعی می‌کنم که عناصر و شیوه اجرایی نمایش ایرانی را بشناسم، و سپس از آن عناصر برای اجرایی که مخاطب امروز بفهمد و آن را بپسندد استفاده کنم و هیچ وقت نمی‌خواهم آن عناصر، و شیوه‌ها را عیناً احیا و اجرا کنم زیرا غیر ممکن است و علی‌الخصوص در مورد این متن خاص، من سعی کردم به نوع نگارش و درامی برسم که در اوایل همین قرن نوشته می‌شد، زیرا این نمایش در مورد درام‌نویسان است؛ و بنیان درام‌نویسی ایران و در مورد زبانی است که در شرایطی درام می‌نوشتند که فقط یک در صد از زنان ایرانی باسواد بودند و در برهه‌ای است که تازه تئاتر به سبک و سیاق غربی، وارد ایران شده بود، و من سعی کردم که در واقع بر اساس بازمانده‌های نمایشنامه‌های درام‌نویسان اوایل این قرن، نمایشنامه‌ای بنویسم تا این شخصیت‌هایی که اسمشان درام‌نویس است بتوانند در این نمایشنامه بیشتر جلوه کنند یعنی ساختار را سعی کردم به ساختار آن درام‌ها نزدیک کنم.

از ابتدا تا پایان اجرا با چه مشکلاتی مواجه بودید؟ مشکلات در تئاتر برای همه هست، زیرا ما همه در یک فضا کار می‌کنیم و از یک هوا تنفس می‌کنیم. یک رشته مشکلات داریم که می‌توانم

بگویم مشکلات استاندارد است و همیشه وجود دارد و برشمردن آن‌ها خیلی دردی را دوانمی‌کند و این مشکلات طبیعتاً برای همه است و به هر حال وجود دارد و باید رفع شود. ولی من در این کار، نه، اصلاً مشکل خاصی نداشتم و خدا را شکر عوامل خوبی برای کار آماده شد و با اینکه زمان تمرین کوتاهی در اختیارم بود با یاری بچه‌های بازیگر به هر حال تعهد اخلاقی خوبی که به کار داشتند کار در مدت کوتاهی جمع شد و بازتاب خیلی خوبی هم داشت، مخاطبان آمدند و کار را از نزدیک دیدند.

طراحی صحنه کار چگونه بود؟ برای طراحی صحنه، سعی شد که یک صحنه‌ای باشد که در عین واقع‌گرایانه بودن و در عین اینکه از یک رئالیسم نسبی برخوردار است؛ بتواند چند فضای دیگر را هم، القا کند یعنی صحنه ثابت خانه‌ای ساده، که خانه آدم‌های مختلف می‌شد یا تغییر و جینش اجزای دکور، همان طور که عرض کردم دلم می‌خواست که بر اساس نمایشنامه‌های اولیه ایران باشد صحنه را خالی نکرده و سعی نکردم که سمت یک نمادگرایی بروم یا یک فضای خالی که در حقیقت می‌شود گفت که آن هم جزئی از کار کرده‌های اجرایی نمایش‌های ایرانی است و با صحنه‌ای که می‌شود گفت به صورت نسبی واقع‌گرایانه بود ولی با تغییر جینش دکور و لوازم صحنه فضاهای مختلفی را به تماشاگر القا کردم.

موسیقی چگونه بود؟ از چه نوع موسیقی استفاده کردید؟ سعی شد از موسیقی همان دوره استفاده شود نه دوره بعد. یعنی موسیقی ۱۳۲۰ تا آن حال و هوا را القا کند و موسیقی زنده انتخاب شد تا تأثیر بیشتری بگذارد و همان طور هم بود و تئاتر خیلی خوبی به جا گذاشت اما موسیقی‌ای که برای این کار استفاده کردیم دو حالت داشت هم فضاهای خالی تعویض صحنه را پر می‌کرد البته وقتی که صحنه تاریک می‌شد و تعویض صورت می‌گرفت، و هم به صورت موسیقی متن کاربرد داشت و از آن استفاده شد.

این نمایش چقدر در جذب مخاطب موفق بود؟ خیلی، آمارها نشان می‌دهد که بسیار موفق بوده یعنی اگر شما آمارها را بررسی کنید متوجه می‌شوید که در جذب مخاطب بسیار موفق بوده است.

این نمایش را برای تالار چهار سو آماده کرده بودید؟ بله، با توجه به عمقی که می‌خواستیم و شکل صحنه‌ای که داشتیم از ابتدا سالن چهار سو مد نظر بود.

قصد اجرای دوباره آن را ندارید؟ معمولاً دوباره اجرا کردن یک نمایش، شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد، البته اگر شرایط خاصی فراهم شود چرا، دوست دارم که آن را اجرا کنم ولی بعید می‌دانم، که چنین شرایطی به وجود بیاید انعکاس این نمایش در مطبوعات چگونه بود؟

انعکاس خوبی داشت. این نمایش نقدهای خوبی از منتقدان گرفت و آن‌ها را خواندم. همه نقدهای نوشته‌شده را خواندید؟ تقریباً می‌شود گفت که اغلب آن‌ها را خواندم و عرض کردم که درصد بالایی از نقدهای خوبی را از منتقدان گرفت.

چند درصد نقدها برای شما راه‌گشا بود برای کارهای آینده‌تان؟ اصولاً وظیفه نقد این است که راه‌گشا و کارساز باشد و بتواند آفت‌های دیگری را جلو چشم هنرمند باز کند ولی اصولاً در نقدهای ما، کمتر این اتفاق می‌افتد یعنی نقدی که بتواند آفت تازه‌ای را در مقابل دید نویسنده و کارگردان بگذارد و راه‌گشا باشد و اصولاً نقد در جامعه ما این تعریف را ندارد و می‌توانم بگویم نه به طور کامل، بلکه کمتر راه‌گشاست یعنی آن درصدی که باید سازنده باشد نیست و کمتر سازنده است. نقدها اصولاً بیشتر یا از حب است یا از بغض، و می‌توانم بگویم شاید درصد کمی در حد بیست درصد یا خیلی که با انصاف باشیم سی درصد از منتقدها هستند که زبده و خیره هستند و کارشناسانه عمل می‌کنند، و کارها را می‌فهمند و این اصلاً به این معنا نیست که خدایی نکرده بخواهم جامعه منتقدان را زیر سؤال ببرم. ولی خوب بازتاب این



نقدها را باید از کارگردان‌ها پرسید یعنی به نظر من این بررسی کارشناسانه‌ای می‌خواهد که به نظر من باید این سؤال را از همه کارگردانان پرسید که نقدهای نوشته‌شده چقدر برای آن‌ها راه‌گشا بوده است؟

نقدهایی که در مورد کار شما نوشته شده بود بیشتر از حب و بغض بود و یا کارشناسانه؟

خوشبختانه می‌شود گفت که درصد عمده آن تکنیکی و کارشناسانه نوشته شده بود.

چطور به یک متن نزدیک می‌شوید و با آن ارتباط برقرار می‌کنید تا آن را بنویسید و برای اجرا آماده کنید؟

من پیش از اینکه متنی را بنویسم، به اجرای آن فکر می‌کنم. از آنجا که خودم نویسنده کارهای خودم هستم برای من این طور نیست که متنی وجود داشته باشد که بخواهم به آن نزدیک شوم، خوشم بیاید تا آن را کار کنم. من حین نوشتن نمایشنامه آن را کارگردانی می‌کنم، یعنی هنگام نوشتن آن، اجرای آن را هم از قبل

در ذهنم می‌بینم یعنی نحوه رویکرد من به متن با نحوه رویکرد یک کارگردانی که خودش نویسنده نیست خیلی متفاوت است. کارگردانی که خودش نویسنده نیست رویکرد متفاوتی دارد تا اینکه به دنبال یک متن مناسب بگردد یا سفارش بدهد تا متن را برای او بنویسند که به دغدغه‌ها و ایده‌های خودش نزدیک باشد و با نویسنده کلنجار برود. حالا نویسنده چقدر متن را تغییر بدهد یا نه، ولی من، نه، من از ابتدا که ایده سوژه یک قصه به ذهنم می‌رسد به اجرای آن نیز، فکر می‌کنم.

چرا محور بیشتر کارهای شما زن‌ها هستند؟

فکر نمی‌کنم محور بیشتر کارهایم زن‌ها باشند، البته بعضی از آن‌ها بوده‌اند. به هر حال قشر مهمی از جامعه ما، بانوان هستند که احساس می‌کنم که در بیشتر عرصه‌ها ناشناخته مانده‌اند و کمتر به آن‌ها اعتنا شده است به همین دلیل سعی می‌کنم تا این پرده‌ها را کنار بزنم و بیشتر به آن‌ها بپردازم.

جایگاه زنان را در عرصه تئاتر کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما سهم بانوان در این کار چقدر است؟

خیلی، می‌شود گفت، اگر بیشتر از مردها نباشد کمتر از آن‌ها هم نیست. شما بانوان بازیگر و هنرپیشه ما را در هفتاد یا هشتاد سال پیش و در اوایل همین قرن ببینید، در آن زمان که به تئاتر به شکل مشخصا بدی نگاه می‌شد و حتی رفتن مردها هم به روی صحنه، قبیح و زشت بود، زن‌ها این جسارت را داشتند و روی صحنه می‌رفتند. یا این نمایش اخیر من در مورد بانوان درام نویس است که در آن شرایط سخت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، درام می‌نوشتند، بنابراین نقش عمده‌ای دارند. الان هم چه در عرصه بازیگری، چه نویسندگی یا کارگردانی نمی‌شود منکر نقش روشنگر و راه‌گشای بانوان در تئاتر شد.

نظرتان در مورد برگزاری جشنواره‌های مختلف چیست؟

متأسفانه جشنواره‌های یکی از آفت‌های تئاتر ماست و به نظر من جشنواره به خودی خود

چیز بدی نیست منتها جشنواره‌زدگی خیلی بد است و من فکر می‌کنم که تئاتر کشور ما دچار جشنواره‌زدگی است و به قول معروف به جای اینکه مثلاً به دنبال این باشیم که سالیانه اجراهای خوبی داشته باشیم سعی می‌کنیم جشنواره‌های شکوهمندی برگزار کنیم. جشنواره همین جوری به تئاتر کمک نمی‌کند اگر صرف این باشد که ما بخواهیم فقط بیلان جشنواره‌ها را بالا ببریم باید بررسی کنیم. اگر محاسن و معایب را بشناسیم باید خروجی آن را نگاه کنیم مثلاً بعد از برگزاری یک جشنواره چه کارهای ارزشمند، و ارزنده‌ای باقی می‌ماند تا بتوانند حرفی برای گفتن داشته باشند. خروجی اکثر جشنواره‌هایی که برگزار می‌شود تقریباً صفر است یعنی برگزار می‌شوند صرف اینکه فقط برگزار شوند تا بیلان جشنواره‌ها بالا برود.

به نظر شما باید چه کار کرد تا جشنواره‌ها راهبردی شوند؟

باید اول از تعداد جشنواره‌ها کم کنیم و آن جشنواره‌هایی را که باقی می‌مانند کارشناسانه تعریف کنیم، و مهم‌تر از همه همان طور که عرض کردم به دنبال خروجی و کشف استعداد باشیم. به دنبال استعدادیابی در جشنواره‌ها باشیم، نه اینکه با عناوین دهان پر کن و در واقع فرهنگی بخواهیم یک رشته جشنواره برگزار کنیم که در آخر کار چیزی برایمان باقی نماند.

وضعیت فعلی تئاتر را در کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وضعیت فعلی تئاتر کشور، کماکان همان وضعیت همیشگی تئاتر است، وضعیت متوسط، نه می‌شود گفت، رو به افول و نه می‌شود گفت، رو به صعود. مثل همیشه، به نظر من میان‌مایه و متوسط است. وضعیتی است که هم قابلیت افول دارد و هم قابلیت صعود. و من امیدوارم که در واقع در وهله اول هنرمندان و بعد مسئولان از قابلیت‌های صعود آن استفاده کنند و برای توسعه تئاتر کشور بکوشند.

برای بهبود وضعیت تئاتر کشور از مسئولان چه انتظاری دارید؟

از مسئولان، یک انتظار دارم و آن هم درک ضرورت تئاتر است به عنوان تأثیرگذارترین هنر زنده.

با توجه به وضعیتی که برشمردید چه آینده‌ای را برای تئاتر کشور پیش‌بینی می‌کنید؟

همیشه خوشبین هستم و هیچ وقت سعی نمی‌کنم که بدبین باشم همین اندازه که الان هنرمندان کار می‌کنند و مخاطبان هم به تنها مجتمع تئاتری تهران می‌آیند و کارها را می‌بینند و همین اندازه که چراغ تئاتر روشن است، نمی‌توانیم ناامید باشیم، زیرا تئاتر هنری است که به خودی خود زنده است ما می‌رویم ولی تئاتر می‌ماند. چه بخواهیم و چه نخواهیم تئاتر زنده است و نمی‌شود تئاتر را از جامعه حذف کرد.

در کارهایتان با کسی مشورت می‌کنید؟

نه!

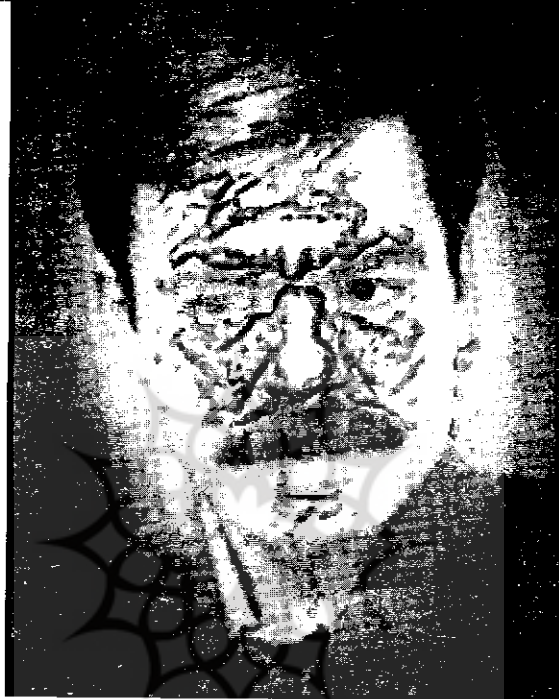
چرا؟

چون این طوری رشد کرده‌ام، همیشه

سعی کرده‌ام در نوشتن متن یا اجرای آن استقلال داشته باشم و خودم برای کارهایم تصمیم بگیرم و عمل کنم. البته یک بار در یک اجرای خارجی دانشجویی که داشتم، این کار را کردم و از استادان، و افراد مختلف نظرخواهی کردم و هر کسی بنا به سلیقه خود و نوع نگرش خود نظری داد. نظرها ما هم از یک لحاظ درست بود و سعی کردم از همه نظریات به نوعی استفاده کنم ولی متأسفانه آن کار شد یکی از مزخرف‌ترین کارهای من که یک شب هم بیشتر اجرا نشد.

تأثیرگذارترین افراد در زندگی هنری شما چه کسانی هستند؟

آدم‌ها به نسبت توانایی، و در واقع قوت نظر و رأی که دارند در مراحل گوناگون تأثیرات خود را می‌گذارند و نمی‌شود گفت یکی بیشتر یا یکی کمتر. به هر حال با توجه به پروسه زمانی که یک هنرمند طی می‌کند از اشخاص مختلفی تأثیر می‌گیرد و این خیلی طبیعی است. اینکه آدم بخواهد اسم یکی را بیاورد یا نه، یک نفر را برای خود الگو قرار دهد به نظر من یک‌طرفه



در سرزمین خود باشیم می‌بینیم که متأسفانه این نسل‌ها با هم خیلی فاصله دارند و کمتر از تجربیات هم، استفاده می‌کنند.

به نظر شما چرا نسل جدید، نمی‌تواند ارتباط پیوسته و مستمری با نسل گذشته داشته باشد؟

به نظر من این برمی‌گردد به فرهنگ ما، در واقع فرهنگ ما فرهنگ مریدپروری است. فرهنگ مراد و مریدی است و این فرهنگ از دیرباز در ما وجود داشته و دارد. استاد هیچ وقت همه فن‌های خود را به شاگرد یاد نمی‌دهد و سعی می‌کند که همیشه فاصله‌های را بین خود و شاگردش حفظ کند. به دلایل مختلف که در سنت ما و رفتار و آداب و در خون ماست و ما هم در این جامعه و فضا تنفس می‌کنیم مستثنی نیستیم. و طبیعی است که هنوز هم تحت سیطره آن فرهنگ باشیم و بر خلاف غربی‌ها که مهم‌ترین کاری که

انجام می‌دهند انتقال تجربیات خودشان است به نسل بعد، ما متأسفانه نه تنها در حوزه تئاتر، بلکه در تمام حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، این تجربیات را کامل به نسل بعد انتقال نمی‌دهیم و نسل جدید هم، هیچ وقت در واقع پذیرای این تجربیات نیست این چیز جدانشدنی از ما، متأسفانه وجود دارد.

به نظر شما گذشت زمان چه تأثیری در کلیت تئاتر کشور داشته است؟

تئاتر با توجه به ارتباط‌های بین‌المللی که پیدا کرد و با توجه به تغییرات و اتفاقاتی که در دنیا می‌افتد طبیعی است که ما سیر صعودی داریم در آن می‌بینیم و ما نمی‌توانیم بگوییم که تئاتر روزبه‌روز در حال نزول است همان طور که قبلاً هم گفتم منتها این سیر صعودی به صورت حلزونی است.

سخن آخر

نکته ای نیست. سپاسگزارم.

و یک‌بعدی است. من در زندگی هنری خودم از هنرمندان مختلفی تأثیر گرفته‌ام و البته هر هنرمندی از هنرمندان مختلف تأثیر می‌گیرد. و این گونه ما بر روی دوش و شانه‌های دیگران می‌ایستیم و اگر بتوانیم شانه‌هایی فراهم کنیم دیگران هم باید بر روی این شانه‌ها، بایستند.

آخرین کاری که دیدید چه بود و نظرتان در مورد آن چیست؟

آخرین کاری که دیدم پرماسست و به نظرم کار خیلی چشم‌نوازی است.

نظرتان در مورد کارهایی که در حال حاضر روی صحنه‌های مختلف است چیست؟

عرض کردم. فعلاً «یرما» را دیدم و فقط می‌دانم چه کارهایی در حال اجراست ولی هنوز از کیفیت کارها خبر ندارم.

آیا نسل‌های جدید را در تعامل با نسل‌های گذشته و با تجربه تئاتر می‌بینید؟

نه، متأسفانه چیزی که یکی از آسیب‌های تئاتر ماست این بی‌ارتباطی نسل‌های مختلف تئاتری با هم است. اگر ما قائل به سه یا چهار نسل تئاتری